

علائق و ملاحظات راهبردی روسیه در سوریه: سیاست سدبندی و جایگاه رژیم اسرائیل

علی خواجهوند ساس*

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۶

۱۵۱

چکیده

روسیه از مهم‌ترین قدرت‌های درگیر در بحران سوریه است. سیاست‌های اتخاذی این کشور در قبال بحران سوریه در چارچوب حمایت از شریک راهبردی و تأکید روسیه بر سیاست عمل در جهان چندقطبی و دوری از تک‌قطبی بودن جهان تأثیر به‌سزایی بر روند تحولات سوریه و موضع‌گیری‌های دیگر کشورها داشته است.

واژگان کلیدی: واقع‌گرایی، بحران سوریه، روسیه.

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیلی‌شناسی، سال هجدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۷۶-۱۵۱

◆ آمریکاشناسی، اسرائیلی‌شناسی

با گذشت بیش از دو سال از بحران سوریه و تبدیل شدن آن به جنگ داخلی گسترده، روسیه به‌عنوان یکی از حامیان اصلی دولت سوریه علی‌رغم انتقادات آمریکا و متحدین غربی و عربی‌اش کماکان بر پشتیبانی از دولت دمشق و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه و ادامه همکاری با دولت این کشور و پایبندی خود به توافقاتش با آن تأکید می‌ورزد. مقامات روسیه در عین حال این مسأله را بارها متذکر شده‌اند که هرگونه طفره رفتن از حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه به مفهوم، ایجاد آشوب و هر ج و مرج در این کشور خواهد بود.

مواضع روسیه در قبال سوریه نشانگر این موضوع است که با توجه به ادامه بحران در سوریه خواهان نقش‌آفرینی هر چه بیشتر سازمان ملل برای حل این بحران است. در این زمینه مقامات سیاسی ارشد روسیه از جمله پوتین بارها حمایت خود از طرح‌های سازمان ملل و از جمله طرح صلح ارایه شده از سوی «کوفی عنان» نماینده ویژه سابق سازمان ملل را اعلام کرده و حتی پس از برگزاری نشست ژنو خواهان اجرای مفاد توافقات به‌عمل آمده در این نشست از سوی طرف‌های غربی شدند.

واقع‌گرایی به‌مثابه تبیین‌کننده تحولات اخیر خاورمیانه

نویسندگان و پژوهشگران، برای مطالعه سیاست و حکومت در خاورمیانه، عموماً از رویکرد واقع‌گرایی استفاده می‌کنند که اساساً در پی امنیت و پیشینه کردن قدرت دولت ملی است و در روابط با کشورهای دیگر، بر قدرت نظامی و دیپلماسی تأکید می‌کند (مورگنتا، ۱۳۷۹، ۶۰). واقع‌گرایی، دولت‌ها را به‌مثابه کنشگران یکپارچه تلقی می‌کند که به دنبال پیشینه‌سازی برتری‌شان درون نظام رقابتی آنارشی هستند. نظریه واقع‌گرایی، به‌رغم توان تبیینی خوب در مورد رفتار دولت‌های اقتدارگرا، محدودیت‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناسی خود را دارد و به دلیل نگاه صرف مادی‌گرایان و غفلت از ایدئولوژی و نظام اعتقادی و دست‌کم گرفتن عوامل داخلی، اقتصاد و نیروهای اجتماعی، مورد انتقاد است. به‌علاوه، به‌رغم این‌که تحولات سال ۲۰۱۱ جهان عرب، دولت‌های این منطقه را تحت تأثیر قرار داده، اما کاملاً از جنس اجتماعی بوده و گفتمان حاکم بر این جوامع را متحول ساخته است. در پی این تحولات، هویت‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است که تأثیرات آن در همه حوزه‌ها و سطوح در حال نمودارشدن است.

نظریه گفتمان، به نظام‌های معنایی می‌پردازد که در آن، فهم مردم از نقش خود در جامعه شکل گرفته و بر فعالیت‌های سیاسی فردی و جمعی آنها اثر می‌گذارد. فرض اولیه در این رویکرد این است که فهم رفتار و پدیده‌ها، زمانی میسر است که درون چهارچوب گسترده معنایی قرار گیرند. ساختارهای معنایی، رفتار افراد، گروه‌ها و جوامع را معنادار کرده، به هویت‌ها و منافع شکل می‌دهند و خط و مرزهای آنها را با دیگران متمایز می‌سازند. رویکرد گفتمانی، جهان‌شمولی فراواقعیت‌ها یا روایت‌های بزرگ مدرنیسم را زیر سؤال برده و بر احترام به روایت‌های خارج از چهارچوب دانش مدرن تأکید دارد (یزدان فام، ۱۳۹۰، ۴۹). گفتمان‌ها، تاریخی و حدوثی هستند و جوامع با گفتمان‌های متعددی روبه‌رو شده و ممکن است از آنها، گفتمان‌های جدیدی به وجود آید. آنها نظامی ابدی و غیرقابل تغییر نیستند و محصول زمان، مکان و تفکرات و اقدامات بشری می‌باشند. گفتمان‌ها و هویت‌ها به‌مرور تحول یافته و به شکل‌های مختلفی صورت‌بندی می‌شوند. این تحول، هم در ترکیب اجزای گفتمانی و هم در موقعیت و جایگاه اجتماعی آنها صورت می‌گیرد. از نظر لاکلاو و موفه، گفتمان‌ها با متحد ساختن یک‌رشته اصول و عناصر سیاسی، ایدئولوژیکی و اقتصادی، به مفصل‌بندی خود در برابر مسائل و چالش‌های اساسی جامعه می‌پردازند (هوارت، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

گفتمان‌ها، نظام‌های بسته تفاوت نیستند. در همین حال، آنها نمی‌توانند تمام معانی و هویت‌ها را شامل شوند. گفتمان‌ها، جدا از تاریخی بودن، ساختی سیاسی دارند. دال‌ها و مدلول‌ها در عرصه اجتماعی و به شکل ارتباطی شکل می‌گیرند. درعین حال، گفتمان‌ها به‌رغم تحول‌پذیری، به دنبال ساختن هویت‌ها هستند و می‌کوشند با حفظ ثبات بیشتر در اصول و مبانی و با ایجاد مرزهای سیاسی و ضدیت‌ها در فرآیند ساخته شدن و ویران شدن هستند. آنها در فرآیند هویت‌سازی، تمام مظاهر و نمادهای «دگر» را نفی کرده و بر نمادهای خود که اساساً مثبت و انسانی هستند، تأکید می‌کنند. گفتمان‌ها ممکن است محدود یا فراگیر باشند. گفتمان‌های فراگیر مانند ملی‌گرایی، اسلام‌گرایی، محافظه‌کاری و عرب‌گرایی می‌توانند هویت کارگری بودن، زن بودن و طرفدار محیط‌زیست بودن را به هم پیوند بزنند. واگرایی در گفتمان‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که آشوب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراگیری در جامعه به وجود آید و کارگزاران احساس بحران هویت کنند. در این شرایط، آنها می‌کوشند از طریق صورت‌بندی و تعیین هویت با گفتمان‌های جانشین، هویت‌ها و معانی اجتماعی خود را بازسازی نمایند (همان، ۲۰۸).

در تحلیل گفتمانی، مبارزه برای کسب موقعیت گفتمان مسلط از طریق اجرای طرح‌های سیاسی

و صورت‌بندی گفتمانی، اهمیت زیادی دارد. موقعیت گفتمان برتر یا مسلط برای حاملان و عاملان آن، قدرت بیشتر و مؤثرتری در فرایندهای سیاسی فراهم می‌آورد. در همین حال، موقعیت گفتمان برای شکل‌گیری، کارکرد و انحلال گفتمان‌ها، اهمیت حیاتی دارد. وقتی یک گفتمان یا نیروی سیاسی نقش تعیین‌کنندگی قواعد و معانی را در جامعه‌ای به دست آورد، موقعیت برتر یا مسلط حاصل می‌شود. لازمه رسیدن به این موقعیت، کشمکش میان نیروها و گفتمان‌های گوناگون در جامعه و مرزبندی آنها با یکدیگر است. گفتمان‌هایی که بتوانند صورت‌بندی فراگیرتری از سوژه‌ها و موضوعات ارائه دهند. مرزهای سیاسی گسترده‌تری را ترسیم کنند و دال‌های شناور بیشتری را برای مدلول‌هایی که هنوز از سوی گفتمان‌های دیگر تثبیت نشده، به کار گیرند، امکان بیشتری را نسبت به گفتمان‌های دیگر برای کسب موقعیت مسلط دارند. موقعیت مسلط با به‌کارگیری قدرت همراه است و در آن تلاش می‌شود خواسته‌ها و نظرات بر دیگران تحمیل شود (همان، ۲۰۸).

مدل نظام سیاسی سوریه

مدل حکومتی داخلی سوریه یکی از آخرین مدل‌های بسته سرشار از ابزار پلیسی همراه با چاشنی ایدئولوژیک تک‌حزبی به شمار می‌رود که در خوش‌بینانه‌ترین قضاوت به نیمه قرن پیش تعلق دارد، همین وضعیت اضطراری که چندی پیش لغو شد به مدت تقریباً نیم‌قرن روابط ملت - دولت را در سوریه تنظیم می‌گردد. دولت سوریه طی نیم‌قرن گذشته کمترین ظرفیت و قابلیت را برای انجام اصلاحات ساختاری متناسب با تحولات جهانی از خود نشان داد.

بشار اسد رییس‌جمهور سوریه پس از درگذشت پدرش حافظ اسد قدرت را در این کشور به دست گرفت. در واقع روی کار آمدن بشار اسد در سوریه، نخستین نمونه جمهوری موروثی را در خاورمیانه به منصفه ظهور رسانده بشار اسد البته با وعده انجام اصلاحات عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به تحکیم قدرت خود در ساختار پیچیده سیاسی سوریه پرداخت. در عرصه مسائل اقتصادی، سوریه در دوره بشار اسد چرخش آشکاری از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد آزاد کرد؛ اما این چرخش با ظهور طبقه جدید متوسط در این کشور همراه بود که عمدتاً به ارکان و نهادها و شخصیت‌های حکومت اختصاص پیدا کرد در نتیجه مسأله فساد و رانت‌خواری به‌سرعت در این کشور دامن گسترده‌اند. چیرگی سازمان‌های امنیتی بر تمامی امور سیاسی و اجتماعی جامعه سوریه، به بهانه قرار گرفتن کشور در خط مقدم جبهه ضد صهیونیستی آنچنان شکافی میان بدنه اجتماعی و بدنه سیاسی کشور ایجاد کرد که

وعده بشار اسد مبنی بر انجام اصلاحات عمیق سیاسی و اجتماعی نتوانست بی‌اعتمادی مردم را برطرف کند. انباشتگی و سلطه بحران‌های اجتماعی و اقتصادی این کشور موجب شد که ملت سوریه در جستجوی فرصتی برای واکنش یک‌جانبه رشته بحران‌های داخلی لحظه‌شماری کند. در واقع شعار محوری اعتراض‌های مردمی در سوریه آزادی و نفی تحقیرشدگی است. (موسوی، ۱۳۹۰)^۱

آغاز خیزش عربی در سوریه

۱۵۵ وقتی محمد البوعزیزی، جوان ۲۶ ساله که به‌رغم داشتن مدرک تحصیلی ناگزیر از فقر از طریق دست‌فروشی کسب درآمد می‌کرد و در شهر سیدی بوزید دست به خودسوزی زد، شاید نمی‌دانست که چه آتشی به جان حکام جهان عرب انداخت. با سقوط دو رژیم حاکم عربی مهم در شمال آفریقا که سال‌ها ساکن اداره این کشورها را به عهده داشتند، به‌نوعی نقشه سیاسی منطقه را به هم ریخت و به‌شدت شروع به تسری به کشورهای دیگر عربی کرد. با بحرانی شدن یمن، لیبی، بحرین، انقلاب عربی شکل خونین به خود گرفت و برخلاف مصر و تونس که کمترین خون‌ریزی در انتقال قدرت را داشت این انقلابات به‌شدت خونبار شد. نظام سوریه نیز به‌عنوان یک کشور عربی از این وضعیت بی‌بهره نماند و مردم سوریه با الهام گرفتن سایر انقلابات، اگرچه دیرتر از کشورهای عربی دیگر، ولی به خیابان ریختند و خواهان اصلاح و تغییر اوضاع خود شدند. لازم به ذکر است این اعتراضات به دلیل وادار کردن نظام به اصلاحات، داشت به نتایج قابل قبولی می‌رسید که برخی از گروه‌های مخالفان نظام دست به اسلحه بردند و اعتراضات به مرحله خونبار رسید. (آجرلو، ۱۳۹۰، ۵۸)

از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ هزاران و تا امروز صدها هزار معارض در چندین کانون شهری درعا، حمص، دمشق، ادلب و... پیاپی در حال تظاهرات خیابانی هستند. جمعه عزت، جمعه مقاومت، جمعه شهدا، جمعه مبارزه و جمعه آزادگان نام تظاهرات نمادگونه‌ای است که تقریباً هر جمعه در کانون‌های شهری علیه بشار اسد و نظام بعثی به وقوع می‌پیوندند. تاکنون بیش از ۱۰۰ هزار نفر از معترضان سوری کشته شده و حدود ده‌ها هزار نفر نیز دستگیر شدند و بیش از صدها هزار نفر نیز از سوریه به کشورهای ترکیه و لبنان گریخته‌اند. اتحادیه عرب، ترکیه، اتحادیه اروپا و ایالات‌متحده رژیم سوریه را تحت‌فشارهای گوناگون از جمله تحریم اقتصادی قرار داده‌اند. از دسامبر ۲۰۱۱ بیش از ۱۵۰ نفر از

^۱ بیداری اسلامی و تحولات منطقه

ناظران عربی برای بررسی و کنترل اوضاع و ارایه گزارش به دبیرخانه اتحادیه عرب وارد سوریه شده‌اند ولی اوضاع امنیتی این کشور همچنان در روندی فزاینده رو به تیرگی است.

ولی در تمام دوره خیزش یک‌ساله انقلابیون و مخالفین اسد نتوانسته‌اند سازه‌های بنیادی نظام را دچار اختلال کلی نموده و زمینه‌ساز از هم پاشیدگی آن را فراهم آورند. به عبارتی دیگر میان رژیم و مخالفین نوعی تعادل قوا و یا تعادل انرژی به چشم می‌خورد به گونه‌ای که نه مخالفین توانایی فروپاشی رژیم را همانند آنچه در تونس و مصر و لیبی روی داد دارند و نه رژیم توانایی سرکوب مخالفین را. (موفقیان و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۱۴-۱۱۳)

یک. زمینه‌های بحران در سوریه

۱-۱. نظام اقتدارگرا

اکثر کشورهای عرب خاورمیانه و همچنین کشورهای آسیایی و آفریقایی در نظام و ساختار سیاسی، در یک ویژگی شبیه هم می‌باشند و آن نیز اقتدارگرایی است. در نظام اقتدارگرا، آزادی فردی شهروندان تحت الشعاع قدرت دولت قرار می‌گیرد که حاکمان بی‌توجه به خواست‌ها و اعتراضات مردمی به اجرای برنامه‌های خود اقدام می‌نمایند، از نمونه‌های تاریخی نظام‌های اقتدارگرا به نظام پادشاهی مطلقه، دیکتاتوری، نظامی و تک‌حزبی می‌توان اشاره کرد. در نظام اقتدارگرا، قدرت فاقد انعطاف‌پذیری لازم است، به طوری که افراد لایق نمی‌توانند در دستگاه‌های اجرایی و اقتصادی راه یابند. به تعبیری دیگر، بازیگران اصلی و رسمی نظام‌های اقتدارگرا صرفاً بر اساس پیوندها و تعلقات به هیات حاکمه به کار گرفته می‌شوند. در چنین نظامی، شخص حاکم در جایگاه عنصر اصلی ساختار سیاسی و اجتماعی، نقش تعیین کننده‌ای در پویای تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور ایفا می‌کند. (عبوضی، ۱۳۸۲، ۱۱) با توجه به توضیحاتی که داده شد، نظام تک‌حزبی سوریه در زمره نظام‌های اقتدارگرا محسوب می‌شود و در این نظام‌ها به دلیل عدم مشروعیت کافی در میان اکثریت مردم، در اولین فرصتی که به دست آید، سعی در تغییر نظام برمی‌آیند و این فرصت برای مردم سوریه به دلایل مختلف - درست یا نادرست - از لحاظ فکری ایجاد شده است.

۲-۱. شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی درون سوریه

ریشه اصلی بحران جمعیتی سوریه به این واقعیت برمی‌گردد که این کشور از اقوام و طایفه‌های

مختلفی تشکیل شده است. ایجاد یک نظم جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مستلزم حل و فصل این بحران درونی است. ناگفته پیداست که یک چنین ترکیبات جمعیتی انسانی ناهمگونی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، موجبات بروز تنش‌ها و چالش‌های ناگزیر سیاسی و اجتماعی مختلفی را فراهم ساخت. با توجه به ترکیب متنوع قومیت‌ها و ادیان در سوریه می‌توان گفت که شکاف‌های طایفه‌ای و قومیتی به دلیل ترکیب نامتجانس جمعیتی تا زمانی قابل مدیریت‌اند که به وجود آمدن برخی بحران‌ها باعث هم‌عرض شدن با هم هستند و در صورت ضعف نظام و یا تغییرات در سوریه امکان درگیری طایفه‌ای دور از انتظار نیست که این امر وحدت و یکپارچگی ملی این کشور را به شدت تهدید می‌کند (آجرلو، پیشین، ۵۹-۶۰)

۱-۳. رشد روزافزون اسلام‌گرایی افراطی

در مورد رشد اسلام‌گرایی افراطی در دهه اخیر در جهان اسلام، دیدگاه‌های مختلفی ارایه شده است که قابل بررسی است. برای مثال هانتینگتون رشد اسلام‌گرایی را در عدم رضایت مسلمانان از سلطه و تهاجم غرب بر جهان اسلام می‌داند و دکم‌جیان ظهور اسلام‌گرایی را معلول بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی دانسته است. (عارفی، ۱۳۸۰، ۲۶۱) هر دو عامل را می‌توان در روند رو به رشد اسلام‌گرایی افراطی در خاورمیانه و به‌خصوص در سوریه مؤثر دانست. تنفر شدید مردم از آمریکا به دلیل حمایت از اسرائیل، تشدید آن بعد از وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به کشورهای خاورمیانه، اسلام‌گرایی افراطی به دلیل مقاومت در برابر آن از محبوبیت بیشتری در میان مردم سوریه برخوردار شد و رشد روزافزونی پیدا کرد. نظام سوریه که بر پایه سکولاریسم بنا شده، با نظریات اسلام‌گرایان افراطی که خواهان اجرای احکام اسلامی به تفسیر ایشان هستند، تعارض جدی دارد، به‌خصوص حکومت خاندان علوی که از نظر برخی از اسلام‌گرایان افراطی کافر محسوب می‌شوند، بر شدت تعارض افزوده است. به همین دلیل، اسلام‌گرایان سوریه به یکی از جریانات معارض غیرقابل انعطاف تبدیل شده و در صف اول مخالفان قرار گرفته‌اند. (آجرلو، پیشین، ۶۱)

۱-۴. مشکلات بین نیروهای امنیتی و خاندان اسد و نظامیان

یکی از تفاوت‌های اساسی میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، نحوه حضور نیروهای امنیتی و نظامیان در فعالیت‌های سیاسی یک کشور است. عدم توانایی این کشورها در ایجاد جامعه

مدنی فرصت خوبی برای دخالت نیروهای امنیتی و نظامیان در سیاست فراهم آورده که این امر به خودی خود حکومت را به سوی اقتدارگرایی سوق می‌دهد و سوریه نیز از چنین خصلتی برخوردار است؛ اما بحران وقتی جدی می‌شود که بین این نهادها اختلاف‌نظری پیش بیاید و همین امر باعث بروز عینی بحران در کشور می‌شود. پاتریک سیل، مؤلف کتاب زندگی‌نامه حافظ اسد به برخی از این اختلافات اشاره می‌کند، از جمله ماهر اسد فرمانده واحدهای نخبه نظامی و امنیتی سوریه، از چنان قدرت و نفوذی برخوردار است که گفته می‌شود چند بار به سمت آصف شوکت، فرمانده سابق اطلاعات ارتش سوریه، در پی جدالی که میانشان افتاده بود تیراندازی کرد. (تهران امروز، ۱۳۹۰، ۴) لازم به ذکر است بعد از عمیق شدن بحران سوریه این چنددستگی جای خود را به وحدت داد، زیرا نیروهای امنیتی و نظامیان به‌خوبی دریافته‌اند که در صورت هرگونه تغییر در نظام فعلی جایی در معادلات آینده سوریه ندارند.

۱-۵. مسلح شدن برخی از گروه‌ها

در چند سال اخیر، به‌خصوص بعد از اشغال عراق توسط آمریکا و ناامنی این کشور که هم‌مرز سوریه است، از طریق مرزهای شرقی مقادیر زیادی سلاح وارد سوریه گردید و همین امر به مسلح شدن برخی جریانات و حتی - به دلیل فراوانی آن برخی مردم عادی شد. این امر اگرچه در ابتدا خطری برای سوریه نداشت، ولی با وارد شدن این کشور به بحران مسلح شدن گروه‌ها و مردم به بزرگ‌ترین معضل پیش روی نظام حاکمیت تبدیل شد. از طرف دیگر، با آغاز بحران ارسال سلاح به داخل سوریه از مرزهای غربی، یعنی لبنان و جنوبی یعنی اردن، با حمایت جریان محافظه‌کار منطقه و اسلام‌گرایان افراطی به عمق بحران افزوده شد و این امر باعث طولانی شدن ناآرامی‌ها و همین‌طور تلفات بالای انسانی در این کشور شده است.

۱-۶. عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی در اعتراضات سوریه نیز بی‌تاثیر نبوده است. ولی بسیار کمتر از انقلابات مصر و تونس به دلیل نوع نظام اقتصادی این کشور می‌باشد. عمده‌ترین مشکلات اقتصادی تاثیرگذار بر اعتراضات سوریه عبارتند از:

الف) عدالت اقتصادی

سوریه به دلیل وجود دولت سوسیالیستی از عدالت بیشتری نسبت به کشورهای دیگر خاورمیانه برخوردار است، ولی مردم این کشور از بی‌عدالتی رنج می‌برند. نمود این مسأله را می‌توان در شکاف شدید طبقاتی میان ساکنان شهرهای بزرگ و دیگر مناطق حاشیه‌ای دید. به‌واقع عدالت اقتصادی و فقر یکی از معضلات اصلی سوریه بوده است که دولت از توجه جدی به آن غفلت می‌کرده و این به‌خودی‌خود زمینه‌ساز ایجاد بحران در یک کشور است.

۱۵۹

ب) رشد جمعیت و توسعه اقتصادی

آمارها نشان می‌دهد که جمعیت سوریه طی دهه‌های اخیر به‌سرعت رشد کرده است و ظرف ۳۰ سال اخیر تقریباً ۳ برابر افزایش یافته و از ۸/۷ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ به حدود ۲۲/۵۱۷ در سال ۲۰۱۰ رسیده است. این امر حاکی از وجود یک جمعیت کاملاً جوان بوده که حدود ۶۰ درصد جمعیت آن را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. طبیعتاً این وضع در صورت وجود رشد اقتصادی بالا و سریع می‌توانست یک فرصت محسوب شده و در غیر این صورت تهدیدی عمده برای دولت‌های حاکم تلقی شده و ازجمله عوامل و ریشه‌های بحران در سوریه محسوب می‌شود.

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سوریه روند نزولی داشته و در طی سال‌های اخیر به پایین‌ترین سطح خود رسیده و این امر به‌رغم این است که به دلیل رشد جمعیت بالا سوریه نیازمند نرخ رشد بالا و افزایش درآمد سرانه برای رفع فقر و بهبود وضع معیشتی مردم خود است؛ اما ناکافی بودن رشد اقتصادی موجب افزایش نرخ بیکاری در بین جوانان و به‌ویژه با توجه به حکومت اقلیت علوی بر اکثریت سنی و روش‌های تبعیض‌آمیز در نظام اداری و استخدامی، بخش اکثریت جامعه رنج بیشتری از بیکاری و نبود شغل خواهد برد.

از سوی دیگر وقتی به رشد بالای جمعیت در سوریه نگاهی افکنده شود عدم توازن بین رشد اقتصادی و رشد جمعیتی بیشتر روشن می‌شود. در واقع از سال ۱۹۸۰ جمعیت سوریه از ۸.۷ میلیون نفر به ۲۲۵۱۷۷۵۰ نفر در سال گذشته میلادی، یعنی نزدیک سه برابر افزایش یافته است، اما به همین نسبت رشد اقتصادی و رفاه اقتصادی افزایش نیافته و درآمد سرانه سوریه در حال حاضر حدود ۲۶۶۴ دلار با توجه تولید ناخالص داخلی کمتر از ۶۰ میلیارد دلاری این کشور محاسبه شده که رتبه ۱۱۶ را بر اساس آمار صندوق بین‌المللی پول کسب کرده است و مابین پاراگوئه و گویان قرار گرفته است. سوریه با

۱۲. ۸۴۰ میلیارد دلار صادرات رتبه ۷۵ام را داشته و با وارداتی نزدیک ۱۴ میلیارد دلار رتبه ۸۰ در بین کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است. اگر این آمار را با کشوری ۵ میلیون نفری کوچکی مانند سنگاپور که بیش از ۳۱۰ میلیارد دلار واردات و بیش از ۳۵۸ میلیارد دلار صادرات دارد، مقایسه کنیم آنگاه به ناکارآمدی اقتصاد سوریه به خوبی پی می‌بریم. همچنین اگر درآمد سرانه سوریه را با کشورهای که دارای بالاترین درآمد سرانه در جهان هستند یعنی لوکزامبورگ با ۱۰۸ هزار دلار و نروژ با ۸۸ هزار دلار مقایسه کنیم به فاصله مردم سوریه با ثروتمندان جهان و فقر بالای آنان پی خواهیم برد. مقایسه سوریه با ترکیه در همسایگی آن نیز جالب توجه خواهد بود. (محب علی، ۱۳۹۰، ۱۶)

ج) بیکاری

سوریه جزو کشورهای جوان محسوب می‌شود که رشد بالای جمعیت آن، با اشتغال‌زایی در این کشور همخوانی ندارد و باعث یاس جوانان از آینده و در پی آن ناکارآمد دانستن نظام سیاسی به پاسخگویی از این نیاز اساسی می‌شود که این امر هم باعث از بین رفتن تدریجی مشروعیت نظام و در زمان آغاز بحران، زمینه‌ساز بروز ناآرامی‌ها در سوریه می‌باشد.

چ) فساد مالی و اداری

دستگاه اداری سوریه، دارای فساد بالای اداری است و رشوه در آن به شدت رواج دارد. بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، سوریه با نمره ۲/۵ از ۱۰، رتبه ۱۲۷ در بین ۱۷۸ کشور مورد بررسی دارد. نکته جالب این گزارش، افزایش فساد مالی از سال ۲۰۰۲ تاکنون بوده زیرا نمره این کشور در این سال ۳/۵ بوده است. همین امر باعث خستگی مردم از این وضعیت شده و در به وجود آمدن بحران کنونی کمک شایانی کرده است. (آجرلو، پیشین، ۶۳)

۱-۷. عوامل بیرونی

مهم‌ترین عامل خارجی در بلندمدت که بر اعتراضات مردم تاثیر داشته است و از جمله مشخصه‌های بارز تمامی این کشورها محسوب می‌شود وابستگی آنها به نیروها و کشورهای خارجی برای دهه‌های متمادی است. این عامل باعث شده است تا همواره در کشورهای عربی نوعی واکنش منفی در بین مردم علیه دولت‌های خارجی وجود داشته باشد؛ اما از منظر کوتاه‌مدت و بر اساس

مؤلفه عامل خارجی، می‌توان اعلام بی‌طرفی این کشورها در زمان جدی شدن تظاهرات‌های خیابانی مردم و وجود نوعی اجماع بین کشورهای خارجی برای پذیرش تغییر و عبور کشور دست‌خوش بحران به شرایط و مرحله‌ای جدیدتر را از جمله عوامل تاثیرگذار بر پیروزی جنبش‌های مردمی موسوم به بهار عربی به حساب آورد.^۱

در خاورمیانه شاید بتوان، جریانات جاری در منطقه را از لحاظ سیاست خارجی خود با اسرائیل به دو جریان تقسیم کرد. اختلافات این جریان محدود به نحو برخورد با اسرائیل به دو جریان تقسیم کرد. اختلافات این جریان محدود به نحوه برخورد با اسرائیل نمی‌شود، بلکه در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد و تعامل با قدرت‌های بزرگ گسترش می‌یابد. نخست، جریان مقاومت که در مسأله فلسطین خواهان برخورد جدی با اسرائیل بوده و در موضوع برخورد با آمریکا و غرب نگاه بدبینانه دارند و شامل کشورهای ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت حزب‌الله لبنان و حماس می‌باشند که از حمایت افکار عمومی نسبتاً خوبی برخوردار هستند و جریان دوم، جریان میانه‌رو و محافظه‌کار که خواهان پیگیری صلح خاورمیانه هستند و شامل کشورهای عربی منطقه از جمله عربستان سعودی، اردن، جریان مارس لبنان به رهبری سعد الحریری و تشکیلات خودگردان فلسطین است و دارای روابط بسیار گسترده‌ای با آمریکا بود و از هم‌پیمانان راهبردی غرب محسوب می‌شوند. محوریت جریان میانه‌رو تا قبل از انقلاب مصر با این کشور بود که توانست با جریان مقاومت یک توازن ایجاد کند. با این تغییرات در مصر، با فرض اینکه در آینده سیاست خارجی این کشور تغییری ایجاد نشود - گرچه ضربه سختی به آن وارد شده است - شاهد احتمال قوت گرفتن جریان مقاومت و در مقابل ضعف جریان میانه‌رو بودیم؛ اما جریان محافظه‌کار تلاش کرد تا جریان مقاومت را تحت فشار قرار دهند تا جریانی که بعد از انقلاب مصر به سمت جریان مقاومت و ضدآمریکایی منطقه گرایش یافته بود را متوقف کنند. از جمله اقدامات جریان محافظه‌کار به همراهی آمریکا، می‌توان به متهم کردن چهار نیروی حزب‌الله لبنان در دادگاه بین‌المللی ویژه ترور رفیق الحریری و همین‌طور حمایت همه‌جانبه رسانه‌ای، مالی و تسلیحاتی از اعتراضات سوریه بیان کرد. از سوی دیگر، کشورهای غربی و ایالات متحده آمریکا نیز تلاش می‌کنند با استفاده از تمام ابزارهای خود از جمله تحریم، کمک مالی به مخالفان، سازمان‌های بین‌المللی و شورای امنیت

استفاده کنند تا نظام سوریه را تحت فشار قرار دهند و به اهداف خود دست پیدا کنند. کمک‌های خارجی به گروه‌های معترض سوریه عموماً به شرح زیر ارایه می‌شود:

طراحی و برنامه‌ریزی برای انجام عملیات تخریبی و اعتراضی

حمایت در عرصه سیاست و همچنین مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای

پول نقد برای تامین هزینه‌های جاری همچون حقوق، تبلیغات و غیره

تامین سلاح برای انجام عملیات نظامی و مسلحانه

تامین کارشناسان و مستشاران امنیتی، نظامی و فنی برای آموزش و تجهیز خرابکاری (آجرلو، پیشین، ۶۲)

۸-۱. نقش اینترنت

در دنیای کنونی، شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و تویتر اگرچه عامل انقلاب نیستند به یکی از تاثیرگذارترین عوامل بر تسریع انقلاب‌ها و عرصه‌ای مهم جهت ابراز مخالفت و افزایش آگاهی بخشی و در برخی مواقع جهت‌دهی به مردم تبدیل شده‌اند و نسل جوان معترض از این ابزار برای نشان دادن نارضایتی خود استفاده می‌کنند. اگرچه نقش اینترنت در اعتراضات سوریه بسیار کمتر از مصر است، تاثیراتی به‌ویژه در میان طبقات میانی سوریه داشته است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

۹-۱. نقش رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

انقلاب امروز جهان، بیشتر شبیه انقلاب نت و شبکه است؛ و در این مسیر، پرقدردان‌ترین ابزار برای تحقق اهداف، رسانه‌ها هستند. از سال گذشته تاکنون و با آغاز موج بیداری در منطقه‌ی شمال آفریقا و خاورمیانه، رسانه‌ها با انعکاس اخبار، تاثیر به‌سزایی در جهت‌دهی افکار عمومی و اذهان ملت‌ها ایفا کردند. با پیشرفته شدن عرصه‌ی فناوری اطلاعات و ابزارهای اطلاع‌رسانی، رسانه‌ها در سال‌های گذشته نیز از نقش بی‌بدیلی در مسائل داخلی کشورها و ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار بوده‌اند. امروزه، کشورهایی که از ابزار رسانه‌ای قدرتمندتری برخوردارند؛ به‌مراتب، با سهولت بیشتری قادرند اهداف ملی و بین‌المللی و حتی نظامی خود را به‌پیش ببرند. (قاسمیان، ۱۳۹۱)^۱

<http://www.shia-leaders.com>

^۱ نگاهی به عملکرد رسانه‌ها در خیزش‌های اخیر

در کشوری مانند سوریه که دارای فضای بسته‌ای است بیشتر برای نظام آن مخرب می‌باشد و آن را با بحران جدی روبه‌رو می‌کند. شبکه‌های تلویزیونی «الجزیره قطر» قطر و «العربیه» عربستان سعودی که از برد رسانه‌ای زیادی در جهان عرب برخوردارند، از همان روز اول اعتراضات با قطع برنامه‌های اصلی خود به پوشش اخبار حوادث سوریه پرداختند. نقش رسانه‌های ماهواره‌ای به قدری در این اعتراضات پررنگ است که این فناوری به ابزار مهمی برای فعالیت‌های سیاسی و اعتراضاتی و همین‌طور پیشبرد اهداف قدرت‌های صاحب رسانه تبدیل کرده است.

دو. بررسی حامیان حکومت سوریه

۲-۱. اقلیت پشتیبان رژیم

خانواده اسد و کانون مدیریت سیاسی امنیتی سوریه را علویان که در سوریه نصریه نامیده می‌شوند تشکیل می‌دهد. برآوردهای مختلفی در مورد درصد جمعیتی آنان در کل جمعیت سوریه به عمل آمده است. از دست کم ۱۳ تا ۱۸ درصد ولی به احتمال فراوان نصیریه دست کم ۱۵ درصد مردم سوریه را تشکیل می‌دهند. نصیریه خود را دوازده‌امامی می‌دانند، برای دهه‌ها و شاید سده‌ها تحت فشار و ستم مضاعف امپراتوری عثمانی و حکومت‌های قبلی از آنها قرار داشته‌اند. آنها می‌دانند که با از دست دادن مدیریت کلان سوریه، جایی امن در تمام شام برای آنها وجود ندارد. نقش نصیریه (علویان سوریه) در پشتیبانی از رژیم حاکم بر سوریه، از دو دیدگاه محوری است:

الف مدیریت کلان. اغلب کادرهای کلان مدیریتی و پست‌های کلیدی در رده‌های نظامی - امنیتی در اختیار همین اقلیت است.

۲-۲. پراکنش جغرافیایی استراتژیک

بیش از ۹۰ درصد علویان سوریه در استان ساحلی و فوق‌العاده استراتژیک لاذقیه زندگی می‌کنند. بقیه جمعیت علوی در دمشق و نقاط حساس شهری استقرار دارند.

ج. پیوندهای عاطفی و مذهبی علویان ترکیه و سوریه در صورت فعال شدن علوی‌های ترکیه، می‌تواند در تعدیل موضع‌گیری‌های آنکارا علیه دمشق بسیار مؤثر و حتی تعیین کننده باشد. (موفقیان و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۱۶)

۲-۳. دیگر حامیان رژیم

مسیحیان ارتدکس با جمعیت دست‌کم ۱۰ درصدی و نیز دروزی‌ها و یزیدیان که ۴ درصد مردم سوریه را در برمی‌گیرند دومین سنگر دفاع از نظام کنونی سوریه را تشکیل می‌دهند. سهم دروزی‌ها در استان مرزی سویدا و منطقه جبل العرب بیش از ۹۰ درصد است. آنان اکثریت مطلق را در ۱۲۰ روستای این استان استراتژیک در اختیار دارند.

همچنین ۱۵ درصد از جمعیت استان حماته را شیعیان جعفری تشکیل می‌دهند و بیش از ۱۰۰۰۰ اسماعیلی استان لاذقیه نیز متمایل به حفظ نظام بعثی هستند. ارتدکس‌ها بیشتر در دمشق، حلب و نیز در چند شهرک از استان‌های لاذقیه، حمص و درعا و نیز حسکه مستقرند. این اقلیت‌ها با این منطق پشتیبان حافظ نظام کنونی به شمار می‌روند که در صورت استقرار یک حکومت سلفی و بنیادگرایانه سنی، آنان امنیت خود را از دست خواهند داد. (همان، ۱۱۷)

آنان دیدگاه‌های اخوان المسلمین، گروه‌های سلفی و القاعده را برای برپایی حکومت اسلامی در شام در تضاد با سرنوشت و آینده خود دانسته و به همین دلیل پس از علویان، سنگر دوم دفاع از نظام حکومتی را تشکیل می‌دهند.

۲-۴. وزنه تعادلی کرد

گرچه بیش از ۷۲ درصد باقیمانده جمعیت سوریه را سنی‌ها تشکیل می‌دهند، ولی دست‌کم ۱۰ درصد از این جمعیت را کردها تشکیل می‌دهند. کردهای سوریه در دوران حافظ اسد و سیاست پان‌عربیسم بعث در بدترین وضعیت به سر می‌بردند. سوریه تا پیش از ۲۰۰۶ با انکار هویت قومیتی کرد، برای آنها هویت عربی قائل بود. استان حسکه به‌ویژه مناطق کردنشین آن فقیرترین استان کشور را تشکیل می‌دهد. حتی در سال ۱۹۶۲ حکومت سوریه حق شهروندی را از صدها هزار کرد سلب نمود و آنان را از آمار رسمی کشور حذف کرد. هرچند در آغاز سال ۲۰۰۹ سوریه دوباره هویت شهروندی کردها را به آنان بازگرداند ولی هنوز مناطق کردنشین سوری از دیدگاه شاخص‌های توسعه انسانی در بدترین وضعیت به سر می‌برند.

باوجوداین کردهای استان مرزی حسکه به نسبت شهروندان حمص، حماه، ادلب و درعا، گرایش به پیوستن به انقلاب ضد اسد را نشان ندادند. آنان رژیمی سکولار را بر حکومت مذهبی ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر پشتیبانی ترکیه از اخوان المسلمین سوریه در امتناع کردها از این جنبش مؤثر است. آنان

به‌هرروی از تقویت نفوذ ترکیه و هم‌پیمانی استراتژیک آنکارا- دمشق در هراسند. (همان، ۱۱۸)

سه. بررسی جریان اپوزیسیون در سوریه

برای شناسایی گروه‌های اپوزیسیون سوریه در ابتدا می‌توان به دو سازمان اصلی که در ساختار ملی مخالفان سوریه فعالیت دارد اشاره کرد:

«ائتلاف ملی برای انقلاب سوریه» و «نیروهای مخالف»، همچنین به نام «ائتلاف مخالف سوریه و فرماندهی (مشترک) عالی نظامی» نیز شناخته می‌شود، که در نوامبر و دسامبر ۲۰۱۲ تشکیل شده است.

۱۶۵

این دو سازمان مرتبط اما مستقل، با هدف ایجاد هماهنگی بین گروه‌های اپوزیسیون، ملی و دموکراتیک، در تلاش‌اند خلا قدرت را در راستای اسقاط دولت بشار اسد به هر نحوی سازمان‌دهی نمایند. با این حال بین ساختاری که این سازمان‌ها در تلاش‌اند، از آن برای تحمیل بر جنبش‌های مخالف بکار گیرند و ماهیت بی‌نظم و بی‌سازمان گروه‌های شورشی مختلف در جبهه‌های رزم، اختلافات قابل‌توجهی وجود دارد. هدف از ایجاد «ائتلاف اپوزیسیون سوریه و فرماندهی مشترک عالی نظامی»، تحمیل یک استراتژی ملی و ساختار مدیریتی برای نیروهای سیاسی و نظامی مخالفان سوریه، با استفاده از حمایت‌های سیاسی، مالی، نظامی و بین‌المللی خود، می‌باشد. در عوض، این دو سازمان تاکنون توانایی کاملاً محدودی را برای مدیریت و یا کنترل گروه‌های مخالف و شوراهای غیرنظامی در سوریه از خود نمایش داده‌اند. این دو سازمان از سوی گروه‌های شورشی فعال در داخل کشور مشروعیت نسبی دارند. در عمل، ائتلاف اپوزیسیون سوریه و فرماندهی مشترک عالی نظامی، چهره‌های بین‌المللی مخالفان سوریه تلقی می‌گردند، که سیاست آنها اقدام به تامین منابع موردنیاز برای شورشیان می‌باشد، اما تاکنون قادر به ایجاد استراتژی واحد در بین این گروه‌ها نشده‌اند.^۱

۳-۱. شورای ملی سوریه

شورای ملی سوریه به‌عنوان اصلی‌ترین جریان اپوزیسیون ائتلافی است از چندین گروه با

<http://www.yjc.ir>

^۱. پشت‌صحنه ناآرامی‌های سوریه چیست؟

هدف ارایه یک آلترناتیو معتبر برای زمان پس از حکومت بشار اسد و نیز یگانه گزینه ممکن برای مذاکره با جامعه بین‌المللی. شکل‌گیری این شورا یادآور شورای انتقالی لیبی است که در زمان انقلاب در این کشور موفق شد به‌عنوان جایگزین نظام سرهنگ قذافی به رسمیت شناخته شود. از گروه‌های زیرمجموعه شورای ملی سوریه می‌توان به گروه‌های زیر اشاره کرد:

- اعلامیه دمشق برای تغییرات دموکراتیک. این گروه در زمان موسوم به «بهار سوریه» در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱ به‌قصد پیگیری اصلاحات دموکراتیک تشکیل شد اما به‌سرعت سرکوب گردید.

- اخوان المسلمین

- کمیته‌های هماهنگی محلی. این گروه شامل فعالان محلی‌ای است که در طول مبارزات اخیر تظاهرات‌ها را هدایت کرده‌اند.

- کمیسیون مرکزی انقلاب سوریه که شامل چهل گروه مخالف محلی است.

- چند گروه کرد و رهبران قومی و فعالان مستقل

شورای ملی سوریه یک دبیرخانه مرکزی دارد که شامل نمایندگانی از گروه‌های مختلف است که کمیته اجرایی ده‌نفره را انتخاب می‌کنند. رییس این شورا همچنین هر سه ماه یک‌بار انتخاب می‌شود. (اصلاحی، ۲۰۱۲)^۱

«شورای ملی سوریه» (۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱) با شرکت ۱۴۰ نفر از فعالان و شخصیت‌های سیاسی این کشور در استانبول تشکیل شد که بخشی از نیروهای آن در خاک سوریه هستند و اهم فعالیت‌های خودشان را همسو با غرب انجام می‌دهند. در اولین گام‌ها، دفتر اطلاع‌رسانی گروه خودخوانده شورای ملی سوری در بیانیه‌ای اعلام کرد دفتر اجرایی این شورا تماس‌های فشرده و گسترده‌ای با سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب و دولت‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه، کانادا و همچنین اتحادیه اروپا و رژیم‌های عربستان، قطر، مصر و ترکیه برقرار کرده است.

تأسیس و ادامه فعالیت شورای ملی سوریه ممکن نبود مگر با حمایت کشورهای عربی و غربی مخالف بشار اسد که «گروه دوستان سوریه» را تشکیل داده‌اند. گروه دوستان سوریه زمانی به وجود آمد که چین و روسیه، قطعنامه شورای امنیت درباره سوریه را وتو کردند. تنها یک روز پس از وتو، آلن ژوپه وزیر امور خارجه فرانسه، اعلام کرد که فرانسه دست روی دست نخواهد گذاشت و

^۱. مخالفان اصلی حکومت سوریه چه کسانی اند؟

طرح‌هایی را به‌ویژه به‌منظور تشکیل «گروه دوستان سوریه» ارائه خواهد داد. منابع دیپلماتیک به نقل از آلن ژوپه اعلام کردند: «در این گروه، ۱۳ عضو شورای امنیت که به تصویب قطعنامه درباره سوریه رأی دادند به همراه تمامی کشورهای عضو اتحادیه عرب و تمامی کسانی که می‌خواهند برای اعمال فشار بر سوریه به ما ملحق شوند، می‌توانند شرکت داشته باشند.» فرانسه در کنار ترکیه، عربستان و قطر یکی از ارکان این گروه فشار است که علاوه بر کنفرانس‌های استانبول و تونس، در پاریس هم شورای ملی را به حضور پذیرفته‌اند همچنین در هفتم بهمن ۱۳۹۰، سخنگوی وزارت امور خارجه عربستان نیز اعلام کرد که این کشور به‌زودی شورای انتقالی (شورای خودخوانده مخالفان سوریه) را به رسمیت خواهد شناخت.

۲-۳. هیات تنسيق ملی (مجموعه ملی کار سوریه)

شورای ملی سوریه علی‌رغم حمایت‌های بین‌المللی، نتوانست حمایت مردم سوریه را به خود جلب کند و لذا خیلی زود دچار انشعاب شد. اولین انشعاب زمانی رخ داد که ۲۰ تن از اعضای سکولار و بنیادگرا - از مجموع ۲۷۰ عضو شورای ملی سوریه - از این شورا جدا شده و «مجموعه کار ملی سوریه» را به ریاست «هیثم المالح» تشکیل دادند. در بیانیه این هیات آمده است که مجموعه جدید از ارتش آزاد سوریه نیز حمایت خواهد کرد، چراکه شورای ملی سوریه از داخل این کشور به علت حمایت نکردن آشکارش از اقدامات مسلحانه علیه نیروهای دولتی به شدت تحت فشار بود؛ بنابراین طبیعی است که «مجموعه کار ملی سوریه» از شورای ملی سوریه به‌مراتب افراطی‌تر بوده و به اقدامات تروریستی بیشتری دست بزند.

۳-۳. سلفی‌ها و ارتش آزاد سوریه

قدرتمندترین گروه مخالف نظام سوریه، گروه‌های سلفی هستند که باید حساب حرکت‌های مردمی را از حساب این گروه‌ها که دست به سلاح برده و اقدامات خشونت‌آمیزی انجام می‌دهند، جدا دانست. به گفته بسیاری از افراد مطلع در حال حاضر از اردن و لبنان و تاندازه‌های از غرب عراق حجم بالایی از سلاح با هزینه کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه عربستان وارد سوریه می‌شود و در اختیار گروه‌های مسلح قرار می‌گیرد. این گروه‌ها از آغاز اعتراضات به سرعت دست به سلاح بردند که این امر برخلاف حرکت‌های مردمی در سایر کشورهاست. در سوریه جریان سلفی از روز

اول دست به اسلحه برد و تعداد زیادی از نیروهای نظامی و امنیتی را کشتند. این امر نشان می‌دهد که ماهیت تحرکات در سوریه مردمی نیست.

این که در این درگیری‌ها تاکنون تعداد زیادی شیعه کشته و آواره شده‌اند خود دلیل دیگری بر افراطی بودن گروه‌های معارض و خواستگاه مذهبی آنهاست. اولین شعاری که معارضین سلفی در درعا و حماه دادند: «علوی بالتابوت، مسیحی بالبیروت» بود! این از همان ابتدا نشان داد که ماهیت معارضین یک ماهیت تندروانه وهابی است؛ بنابراین طبیعی است که با شکل‌گیری و تجهیز ارتش آزاد سوریه (جیش السوری الحر) از سوی اردن و عربستان، اولین قربانی‌ها اقلیت‌های قومی و مذهبی باشند؛ شیعیان، مسیحی‌ها و احتمالاً در آینده نزدیک کردها.

مخالفان مسلح دولت سوریه تنها از سلفی‌های ساکن این کشور نیستند. چراکه گزارش‌ها نشان داده است جنگجویان اجیر شده این مخالفان که در حومه شهر حلب (ریف حلب) در حلقه محاصره ارتش سوریه و در آستانه پاک‌سازی قرار دارند؛ افراد مختلفی هستند که ملیت آنان از آن سوی افغانستان و پاکستان شروع می‌شود، همچنین افرادی از چین و با گذر از کشورهای مختلف عربی، به شمال آفریقا مانند تونس و لیبی می‌رسد و گاه شامل کسانی می‌شود که حتی به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و لهجه بیرمنگامی و جنوب لندنی دارند.

۳-۴. اخوان المسلمین سوریه

مهم‌ترین و البته مشروع‌ترین گروه مخالف دولت اسد، جریان اخوان المسلمین این کشور است که یک گروه متشکل مذهبی بر پایه مذهب اهل سنت است. با آغاز ناآرامی‌ها در سوریه، جمعیت اخوان المسلمین این کشور که شاخه‌ای از تشکیلات کلی این جریان در منطقه است، اقدامات گسترده‌ای را در خارج از سوریه برای هدایت و رهبری جریان مخالفان بر عهده گرفت و برخی کشورهای همسایه از جمله ترکیه و دولت‌های اروپایی سعی کردند با میدان دادن به این جریان و حتی در اختیار گذاشتن مکان‌هایی برای برگزاری نشست‌هایشان، این تشکل را به‌عنوان رهبر جریان مخالف در سوریه مطرح کنند.

اخوان المسلمین سوریه در سال ۱۹۳۵ (۱۳۱۴) در شهر حلب به‌وسیله مصطفی السباعی به‌منظور مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه و سامان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی و رفع شکاف موجود بین جهان عرب از طریق احیای اسلام به وجود آمد اما بعداً عواملی چون لزوم

همکاری با اعراب در بازپس‌گیری فلسطین اشغالی و سکنی گزیدن برخی از رهبران و اعضای اخوان المسلمین مصر در سوریه به گسترش فعالیت‌های اخوان المسلمین سوریه کمک کرد. بارزترین ویژگی اخوان المسلمین سوریه، مخالفت دائمی آن با دستگاه سیاسی کشور است که از مهم‌ترین این مخالفت‌ها می‌توان به درگیری نظامی ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ شمسی) آنها با نیروهای حکومتی حافظ اسد در شهر «حمه» اشاره کرد که حاصل درگیری خونین آن زمان ۳۰ هزار کشته و ناپدید شدن ۱۰ هزارتن از هواداران اخوان المسلمین بود.

۱۶۹

اخوان المسلمین سوریه امروز هم‌پیمانان اصلی ترک‌ها هستند، عده‌ای دلیل این امر را ریشه اسلامی حزب عدالت و توسعه می‌دانند. بهترین دلیل برای هم‌پیمانی ترکیه و اخوان المسلمین سوریه حضور برخی از سران این تشکل در خاک ترکیه و برگزاری ۴ کنفرانس برای مخالفان نظام در شهرهای ترکیه است؛ کنفرانس‌هایی که اغلب آنها توسط اسلام‌گرایان تشکیل شده است. در واقع به نظر می‌رسد که با آغاز رخدادهای اخیر در کشورهای عربی، جوانان سوریه که نسبت به برخی امور داخلی کشورشان اعتراض داشتند، تحت تاثیر جوانان مصر و تونس دست به تحرکات سیاسی زدند اما این تحرکات با دخالت اخوان المسلمین سوریه و هدایت تحرکات سیاسی جوانان سوریه به سمت خشونت، به بیراهه رفت. همزمان با آغاز تظاهرات جوانان سوریه، اخوان المسلمین در این کشور و مقامات کشورهای عربستان سعودی، اردن، قطر، ترکیه، عبدالحلیم خدام و (جریان ۱۴ مارس لبنان به رهبری) سعد حریری در یک جبهه علیه نظام سوریه قرار گرفتند تا شعار تغییر و اصلاحات مردم این کشور را ناگهان به شعار سرنگونی نظام بشار اسد تبدیل کنند. اگر خواسته اخوانی‌ها برای اصلاحات سیاسی به‌منظور رسمی شدن حزبشان در کشور و مشارکت سیاسی در انتخابات قانونی باشد باید گفت با تأیید قانون اساسی جدید در فراندوم اخیر که نظام تک‌حزبی کنونی را به‌نظام چندحزبی بدل ساخت، این خواسته عملاً در آستانه تحقق است. (همان)

البته نباید اخوان المسلمین را با سلفی‌ها و ارتش آزاد یکسان پنداشت. میان این دو تفاوت‌های زیادی وجود دارد، همچنان که اخوان المسلمین در سایر کشورها هم سلفی نیستند. به‌عنوان مثال در مصر، شاخه سیاسی اخوان المسلمین با عنوان حزب «آزادی و عدالت» در انتخابات مجلس شرکت و پیروز شد. سلفی‌ها هم چندین حزب و از جمله «حزب اسلامی نور» را تشکیل دادند که پس از اخوان المسلمین بیشترین آراء را کسب کرد.

۳-۵. جبهه آزادی‌بخش سوریه

جبهه آزادی‌بخش سوریه که با عنوان جبهه التحریر السوریا الاسلامیه شناخته می‌شود، از حدود ۲۰ تیپ و گردان در سراسر سوریه تشکیل شده است. حدود ۳۷۰۰۰ شبه‌نظامی در این گروه فعالند. بدین ترتیب بزرگ‌ترین ائتلاف شورشیان مستقل از ارتش آزاد سوریه را تشکیل می‌دهند. هر یک از زیرمجموعه‌های ارتش آزادی‌بخش سوریه نام خاص خود را دارند و به‌طور مستقل عمل می‌کنند، هیچ‌گونه وحدت استراتژیک و یا تاکتیکی درونی در این ائتلاف وجود ندارد. قدرتمندترین و شناخته‌شده‌ترین واحدهای ارتش آزادی‌بخش سوریه، تیپ‌های شاهین الشام و گردان فاروق هستند.^۱

رهبری ارتش آزادی‌بخش سوریه تا حد زیادی با فرماندهی عالی نظامی متحد شده است، اما این اتحاد بیشتر در بعد نظامی تا سیاسی گروه‌های وابسته به ارتش آزادی‌بخش سوریه، اسلام‌گرایان ایدئولوژیک میانه‌رو می‌باشند. درحالی‌که ارتش آزادی‌بخش سوریه بر حفظ روابط برادرانه خود با ارتش آزاد سوریه اهتمام داشته است از رهبری آن به خاطر دور بودن از واقعیت‌های موجود در درگیری‌های نظامی، به‌شدت انتقاد داشته است. هرچند دولت عربستان سعودی حامی اصلی ارتش آزادی‌بخش سوریه بوده است، اما عربستان سعودی در ماه آوریل با ارسال تمام کمک‌های آتی خود از طریق فرماندهی عالی نظامی، موافقت خود را اعلام داشت.

۳-۶. اقلیت‌های قومی

اقلیت‌های سوریه یعنی دروزی‌ها، مسیحیان و کردها تاکنون در رویارویی با مخالفین غالباً سنی و دولت علوی سوریه سکوت کرده‌اند. بسیاری از مسیحیان از این وحشت دارند که سقوط دولت اسد به روی کار آمدن دولت سنی تندرویی منجر شود که آزادی آنها را محدود کند. اقلیت‌های سوریه، شاهد جنگ طایفه‌ای در دو کشور همسایه یعنی لبنان و عراق بوده‌اند و نمی‌خواهند بروز رویدادهای مشابه را در سوریه ببینند. (ساینس، ۱۳۹۱)^۲ کردها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در جمعیت ۲۲ میلیون نفری سوریه هستند که البته شرایط اجتماعی گروه‌های مختلف آنها متفاوت است. کردهای سوریه به دو بخش قابل تقسیم هستند، کردهایی که در مناطق کردنشین شمال

^۱. پشت‌صحنه ناآرامی‌های سوریه چیست؟

^۲. تصویری نسبتاً واقعی از بحران سوریه

شرق سوریه مخالف نظام هستند چون درخواست‌هایشان مانند درخواست کردهای عراق و ترکیه تجزیه‌طلبانه است اما در مقابل آنها یک عده از کردها در مناطق عرب نشین موافق نظام هستند و آنها وجود خود را در خطر می‌بینند از قدرت گرفتن سلفی‌ها هراس دارند ضمن آنکه بخش عمده‌ای از کردها بر اساس اصلاحات جدید موفق به اخذ شناسنامه از دولت سوریه شده‌اند و مشکلی با نظام ندارند؛ اما با این حال نمی‌توان انکار کرد که تاکنون حقوق اقلیت کردها آن چنانکه باید به رسمیت شناخته نشده است، همچنان که حتی نام این کشور هم «جمهوری عربی سوریه» است و در قانون اساسی هم فقط یک فرد عرب می‌تواند رییس‌جمهور باشد.

به همین دلیل است که رییس شورای ملی سوریه از بنیان‌گذاری شورای ریاست جمهوری در رأس امور کشور، دولت خودمختار کرد و به رسمیت شناختن هویت کردها در سوریه دفاع و خطاب به کردها می‌گوید: «هویت شما به رسمیت شناخته خواهد شد و در شکل ملی مورد احترام قرار خواهد گرفت. همچنین حقوق شهروندی شما نیز تضمین خواهد شد. شما نقش مهمی در بازسازی سوریه رؤیایی ما ایفا می‌کنید؛ سوریه‌ای که چندین دهه در آرزوی آن هستیم.»

۳-۷. تشکل‌های سیاسی کوچک‌تر

علاوه بر گروه‌های یادشده، همچنین باید به گروه‌های مخالف دیگری اشاره کرد که کمتر شناخته شده‌اند. از جمله «جبهه مردمی برای تغییر و آزادی» که «قدری جمیل» (معاون نخست‌وزیر و وزیر تجارت سابق) یکی از سه عضو شورای ریاست آن است. این تشکل اپوزوسیون سوریه هم جزو مخالفان نشست قاهره بود.

همچنین باید به برخی گروه‌های سیاسی داخلی اشاره کرد که ضمن مخالفت با دخالت بیگانه، خواستار اصلاحات اساسی در کشور هستند. از جمله این گروه‌ها، «جبهه مردمی برای تغییر و آزادسازی در سوریه» شامل «حزب اراده مردمی» و «حزب قومی اجتماعی سوریه» و چند شخصیت مستقل دیگر است که پس از تغییر قانون احزاب در سوریه تشکیل شد.

چهار. جایگاه روسیه در تحولات سوریه

سیاست روسیه یعنی «حمایت از شریک راهبردی و تأکید روسیه بر سیاست عمل در جهان چندقطبی و دوری از تک‌قطبی بودن جهان» در دکترین سیاست خارجی این کشور در جولای

۲۰۰۸ در اولویت اهداف این کشور قرار گرفته است. طبق این دکترین، منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی پس از منطقه CIS (که شامل برخی از جمهوری‌های مستقل اتحاد جماهیر شوروی است)، اتحادیه اروپا، آمریکا و شرق آسیا در اولویت پنجم اهمیت برای روس‌ها قرار دارد؛ اما با این وجود تحولات این منطقه برای روسیه‌ای که دنبال بازگشت به جایگاه قبلی خود در دوران اتحاد شوروی است بسیار حائز اهمیت است. (گودرزی، ۱۳۹۱، ۱)

درواقع نگرانی روسیه بیشتر از این مسأله است که کشورهای بزرگ غربی و به‌ویژه اعضای مهم ناتو با موفق ارزیابی کردن عملیات نظامی خود در لیبی در پی اجرای الگوی عملیاتی مشابهی علیه سوریه باشند. با این همه موانع زیادی در این مسیر وجود دارد که از جمله آنها اقتدار دولت سوریه و برخورد آن با مخالفین مسلح، عدم وجود هماهنگی بین مخالفین و در اختیار نداشتن منطقه‌ای در داخل سوریه توسط مخالفین است.

با وجود انتقادات آمریکا و متحدین غربی و عربی‌اش از موضع حمایت‌آمیز روسیه در قبال سوریه، مسکو کماکان بر پشتیبانی از دولت دمشق و حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران سوریه و ادامه همکاری با دولت این کشور و پایبندی خود به توافقاتش با آن تأکید می‌ورزد. در این راستا مقامات تسلیحاتی روسیه بارها بر این مسأله تأکید کرده‌اند که مسکو به ارسال تسلیحاتی که نورخان‌تر با سوریه توافق کرده است ادامه خواهد داد، هرچند که تا زمان آرام شدن شرایط سوریه، مسکو قرارداد تسلیحاتی جدیدی با سوریه امضا نخواهد کرد.

به‌طور کلی روسیه به همراه چین به‌عنوان دو عضو دائم شورای امنیت بارها پشتیبانی خود از راه‌کار مسالمت‌آمیز برای حل بحران سوریه اعلام کرده‌اند، مقامات روسیه بارها تأکید کرده‌اند هرگونه توافق در سطح ملی برای حل بحران سوریه، نیازمند خلع سلاح گروه‌های غیرقانونی و پایان عملیات نظامی این گروه‌ها و خاتمه دادن کمک‌های تسلیحاتی خارجی به آنها و همچنین ادامه روند اصلاحات از سوی دولت سوریه است، موضوعی که با مخالفت دشمنان سوریه به‌ویژه آمریکا و شرکای اروپایی و متحدین عرب آن مواجه شده است. به نظر می‌رسد که علی‌رغم فشارهای غرب، روسیه مصمم است که به حمایت همه‌جانبه خود از دولت سوریه ادامه دهد.

۴-۱. اهمیت تحولات سوریه برای روسیه

به‌طور کلی تحولات کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه به‌ویژه کشور سوریه برای روسیه از

چند جهت دارای اهمیت راهبردی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: نخست، تهدید منافع اقتصادی و تجاری روسیه؛ روسیه مبادلات ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلاری با این منطقه دارد که از این میزان حدود یک میلیارد دلار مبادلات تسلیحاتی و یک و نیم میلیارد دلار مبادلات تجاری با سوریه است. با توجه به این موضوع، تحولات خاورمیانه از یک سو، باعث بی‌ثبات شدن درآمد تجاری و ارزی روسیه از این منطقه می‌شود. از سوی دیگر، این موضوع با فرمان پوتین رییس‌جمهور این کشور مبنی بر استفاده از سیاست خارجی برای توسعه اقتصادی و کسب ثروت مغایر است و نمی‌تواند اهداف سیاست خارجی روسیه را تامین کند.

دوم، ایجاد و تشدید مشکلات سیاسی با کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان؛ تحولات اخیر سوریه عرصه تقابل بیش‌ازپیش کشورهای منطقه به‌ویژه ریاض و مسکو را فراهم آورده است. ریاض همیشه از سوی مسکو متهم به تقویت و گسترش بنیادگرایی اسلامی در قالب وهابیت بوده است. در حال حاضر نیز طرفداری عربستان همراه با ترکیه و قطر از مخالفان سوریه روابط دو کشور را سردتر کرده است. این موضوع برای روسیه که کشورهای این منطقه بازار خوبی برای کالاها و تسلیحات روسی هستند دارای اهمیت فراوانی است.

سوم، پایگاه نظامی دریایی روسیه در سواحل غرب سوریه در بندر طرطوس که اصلی‌ترین مقر نظامی این کشور در دریای مدیترانه است.

چهارم، نزدیکی این منطقه با خارج نزدیک روسیه به دلیل حضور بیش از ۳۰ میلیون مسلمان در روسیه و بیش از ۶۰ میلیون در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز. منطقه قفقاز و آسیای مرکزی خارج نزدیک روسیه محسوب می‌شوند و این فدراسیون تمام تلاش خود را برای حفظ و افزایش اقتدارش در این منطقه انجام می‌دهد. کشورهای این منطقه دارای نظام اقتدارگرا، فساد فراگیر، فقدان فضای سیاسی رقابتی و مشکلات عدیده بعد از فروپاشی اتحاد شوروی هستند که امکان تسری بحران به داخل آنها وجود دارد. علاوه بر این، منطقه قفقاز و آسیای مرکزی در مجاورت مرزهای روسیه قرار گرفته، از این رو مسکو هرگونه احتمال تاثیرگذاری رویدادهای خاورمیانه بر منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و روسیه را در نظر می‌گیرد. (همان)

پنجم، فراهم شدن زمینه برای دخالت کشورهای غربی: روسیه با توجه به گسترش نفوذ بیش‌ازپیش آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز و داشتن پایگاه نظامی، حاضر به حضور پررنگ این کشور در سوریه نمی‌باشد که در واقع آخرین پایگاه سنتی روسیه در خاورمیانه است.

تاکنون از مهم‌ترین موضع‌گیرهای روسیه نسبت به تحولات سوریه می‌توان به این موارد اشاره کرد: نخست، مخالفت با رویکرد غربی‌ها در قبال سوریه، به‌نحوی که حتی با درخواست اخیر ترکیه از «ناتو» برای استقرار موشک‌های «پاتریوت» در مرز این کشور با سوریه و موافقت ناتو با این درخواست نیز مخالف است؛ دوم، داخلی دانستن بحران سوریه و حل این بحران توسط مردم سوریه و به‌صورت مسالمت‌آمیز؛ سوم، وتو کردن تمام قطعنامه علیه سوریه در شورای امنیت؛ چهارم، مخالفت با مداخله نظامی در سوریه، به‌نحوی که رییس‌جمهوری روسیه در مصاحبه با راشا تودی تصریح کرد «ما از ضرورت ایجاد تغییرات در سوریه آگاهیم، اما این به معنای آن نیست که تغییرات خونین باشد»؛ پنجم، انجام تعهدات موجود بر پایه قوانین جهانی؛ ششم، پایبندی به قراردادهای نظامی سابق خود با سوریه.

نتیجه‌گیری

مواضع روسیه در قبال سوریه نشانگر این موضوع است که روسیه برای پیشبرد اهداف خود در منطقه نیازمند افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی خود در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد. همان‌طور که آمریکا امروزه برای پیشبرد اهداف خود در مناطق جهان از جمله خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، حضور دارد، روسیه نیز باید بتواند از تمام ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی استفاده کند.

روی کار آمدن پوتین، مسکو سعی داشت تسلط سنتی خود را بر این مناطق دوباره حاکم کند اما با مانع بزرگی مانند آمریکا مواجه شد. آمریکا نیز با گسترش به شرق و حیات خلوت روسیه در صدد کنترل روسیه گام برداشت. این امر منجر به یک رقابت منطقه‌ای میان روسیه و آمریکا در اوراسیا و امروزه در سوریه شده است. به‌طوری‌که آمریکا به همراه متحدین خود نظیر ناتو، ترکیه، اروپا و اعراب خلیج‌فارس و از آن‌طرف روسیه نیز به همراه چین در مقابل هم قرار گرفته‌اند و امروزه از جنگ سرد جدید میان آمریکا و روسیه سخن به میان است.

درواقع نگرانی روسیه در این میان از یکسو به خاطر دیدگاه کشورهای غربی و به‌ویژه اعضای مهم ناتو با موفق ارزیابی کردن عملیات نظامی خود در لیبی در پی اجرای الگوی عملیاتی مشابهی در سوریه باشند. با این‌همه موانع زیادی در این مسیر وجود دارد که از جمله آنها اقتدار دولت سوریه و برخورد آنها با مخالفین مسلح، می‌باشد و از سوی دیگر مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و هژمونی‌گرایی

امریکا است چراکه سوریه تنها شریک اقتصادی سیاسی و نظامی روسیه در خاورمیانه می‌باشد و قصد ندارد به راحتی این شریک و حوزه نفوذ خود را در خاورمیانه از دست بدهد.

بنابراین روسیه، به عنوان عضو دائم شورای امنیت بارها پشتیبانی خود از راه کار مسالمت آمیز برای حل بحران سوریه اعلام کرده است، مقامات روسیه بارها تأکید کرده اند هرگونه توافق در سطح ملی برای حل بحران سوریه، نیازمند خلع سلاح گروه های غیرقانونی و پایان عملیات نظامی این گروه ها و خاتمه دادن کمک های تسلیحاتی خارجی به آنها و همچنین ادامه روند اصلاحات از سوی دولت سوریه است، موضوعی که با مخالفت دشمنان سوریه به ویژه آمریکا و شرکای اروپایی و متحدین عرب آن مواجه شده است.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. آجرلو، حسین (پائیز ۱۳۹۰) «تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم.
۲. «بشار اسد محبوب است اما ماهر اسد، نه»، تهران امروز خرداد ۱۳۹۰.
۳. عارفی، محمد اکرم (زمستان ۱۳۸۰) «پاکستان و بنیادگرایی اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۶.
۴. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۳) «شاهی که می‌خواست خدایی کند: مطالعه تطبیقی سه مفهوم استبدادگرایی، اقتدارگرایی و نوسازی در عصر پهلوی»، زمانه، شماره ۲۵.
۵. گودرزی، مهناز (پائیز ۱۳۹۱) «روسیه و تحولات سوریه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۶. محب علی، قاسم، دی (۱۳۹۰) «ریشه‌های بحران اعتراض‌ها و نارضایتی‌ها در سوریه از کجا نشأت می‌گیرد؟»، مهرنامه، شماره ۱۸.
۷. مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۹) سیاست میان ملت‌ها، تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
۸. موفقیان، پرستو، احمدی، سید عباس، عظیمی، یاسر (زمستان ۹۱) «تحولات سوریه، بررسی و ارزیابی آرایش جغرافیایی نیروهای درونی و گرایش بیرونی آنها»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال دوازدهم.
۹. یزدان فام (تابستان ۱۳۹۱) «تحولات جهان عرب - صورت‌بندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۴، شماره ۱.
۱۰. هوارت، دیوید (۱۳۸۸) نظریه گفتمان، در دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ پنجم.
۱۱. اصلاح جی، مرتضی (۱۳۹۱) «مخالفان اصلی حکومت سوریه چه کسانی اند؟» www.irangreenvoic.com
۱۲. ساینس، کریستین (۱۳۹۱) «تصویری نسبتاً واقعی از بحران سوریه» <http://www.tabnak.ir>
۱۳. قاسیمان، روح‌الله، (۱۳۹۰) «نگاهی به عملکرد رسانه‌ها در خیزش‌های اخیر» www.shia.leaders.com
۱۴. موسوی، سید حسین (۱۳۹۰) «بیداری اسلامی و تحولات منطقه» www.merc.ir
۱۵. «پشت‌صحنه ناآرامی‌های سوریه چیست؟» www.yjc.ir
۱۶. «ریشه‌ها و علل وقوع تحولات خاورمیانه؟ «بهار عربی»» www.kurdtoday.ir